زن جوان که شوهر و ۲ کودک بی‌گناهش را به قتل رساند روز گذشته بازجویی شد

شوهرم شراب‌خوار و حشیشی و تریاکی بود!

زن جوانی که به اتهام قتل سه عضو خانواده‌اش در بازداشت به سر می‌برد، روز گذشته در اولین جلسه بازپرسی گفت: باز شدن پای یک دختر به زندگی شوهرش سبب شده دست به این حادثه خونین بزند.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز پروانه ۳۴ ساله که متهم است روز جمعه ۱۴ آبان ماه شوهر ۳۹ ساله، دختر ۱۱ ساله و پسر چهار ساله‌اش را با چاقو به قتل رسانده و دختر ۱۰ ساله دیگرش را نیز به شدت زخمی کرده است، پس از بهبودی نسبی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و از سوی قاضی مدیر روستا، بازپرس شعبه ششم دادسرا مورد بازجویی قرار گرفت.

ساعت ۱۱ صبح بود که پروانه همراه مأمور بدرقه پلیس آگاهی وارد شعبه شد. رنگ صورتش زرد و حالش بد بود. تاب و قرار نداشت لحظه‌ای روی صندلی می‌نشست و لحظه‌ای روی زمین. «حالم بد است، کاش می‌مردم و این روز را نمی‌دیدم. زندگی خوبی داشتم، اما وقتی پای دختر جوان به زندگی‌ام باز شد، همه‌چیز خراب و زندگی‌ام سیاه شد. می‌دانم پشیمانی فایده‌ای ندارد، اما دوست دارم زندگی به عقب برگردد و دوباره زندگی‌ام را بسازم.» این اولین حرف‌هایی بود که متهم به زبان آورد و پس از آن مقابل قاضی به جرم خود اقرار کرد و گفت که پشیمان است. در ادامه پروانه به دستور قاضی پرونده برای انجام آزمایش‌های لازم و بررسی سلامت روحی و روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی شد. متهم پس از بازجویی در گفت‌وگو با خبرنگار ما از حادثه می‌گوید.

گفته بودی سابقه بیماری روحی - روانی داری، توضیح بده؟

من قبل از ازدواج صدای وزوزی می‌شنیدم که تحت درمان قرار گرفتم و پس از مصرف دارو خوب شدم و بعد هم خیلی زود ازدواج کردم.

چرا زود ازدواج کردی؟

دوران دبیرستان بودم که با شوهرم در راه مدرسه آشنا شدم و بعد از مدتی با هم ازدواج کردیم.

فکر می‌کنی راه درستی برای ازدواج بود؟

نمی‌دانم، اما من زندگی موفقی نداشتم.

درباره اختلاف با شوهرت بگو؟

ما ابتدا مشکلی نداشتیم تا اینکه دو سال قبل شوهرم با دختر جوانی آشنا شد و از آن روز به بعد اختلافات ما شروع شد.

شوهرت چطور با آن دختر آشنا شد؟

شوهرم کامیونت داشت و مواد لبنی جابه‌جا می‌کرد و آن دختر هم یکی از مشتریانش بود.

قصد داشت با او ازدواج کند؟

بله.

چطور شما مطمئن شدی که شوهرت با او دوست است؟

عکس زن جوان را در تلگرام دیده بودم و شماره او را هم پیدا کردم و حتی چند بار هم با او تماس گرفتم و خواهش کردم پایش را از زندگی ما بیرون بکشد، اما فایده‌ای نداشت.

وقتی با او تلفنی حرف زدی چه جوابی به شما داد؟

گفت من بی‌تقصیرم، شوهرت اصرار دارد با من ارتباط داشته باشد، بهتر است با شوهرت حرفی بزنی.

با شوهرت در این مورد حرف زدی؟

بله، اما فایده‌ای نداشت.

چرا؟

او همیشه مست بود و حال خوشی نداشت و علاوه بر آن حشیش و تریاک هم مصرف می‌کرد. یادم است دی ماه سال قبل همراه دوستانش برای تفریح به باغی رفته بود. وقتی با تلفن همراهش تماس گرفتم، صدای زن جوانی به گوشم رسید که شوهرم مدعی شد، زن جوان دوست یکی از همکارانش است. شب که به خانه برگشت، مست بود و خوابید که تلفن همراهش را بررسی کردم و پیامک‌های بین او و آن دختر را دیدم که با هم درگیر شدیم و شوهرم عصبانی شد و موبایل را به طرف من پرتاب کرد و موبایل به چشمم برخورد کرد به طوری که رگ‌های چشمم پاره شد.

چرا به خانواده‌ات نمی‌گفتی؟

من می‌خواستم زندگی‌ام را به هر طریقی حفظ کنم. چون ما ابتدا خیلی مشکل مالی داشتیم و شوهرم چندین سال بیکار بود و من سختی‌های زندگی را تحمل کرده بودم و الان که وضع مالی‌مان خوب شده بود، تصمیم گرفتم زندگی‌ام را حفظ کنم، اما حیف که همه چیز خراب شد.

چه شد که این تصمیم هولناک را گرفتی؟

شوهرم خیلی مرا آزار داد. از زندگی خسته شده بودم و هر روز به خاطر زن مورد علاقه‌اش با هم درگیری داشتیم. نمی‌دانم چه شد که آن روز دست به چاقو بردم و او را به قتل رساندم.

درباره حادثه توضیح می‌دهی؟

شب قبل سر همین موضوع با هم مشاجره لفظی داشتیم. ساعت ۱۰ صبح روز حادثه فرزندانم در حال تماشای برنامه کودکان بودند و من هم چایی و صبحانه را آماده کردم و به سراغ شوهرم رفتم تا او را بیدار کنم. چند بار از او خواستم تا بیدار شود، اما بیدار نشد. نمی‌دانم چه شد که به آشپزخانه رفتم و چاقویی برداشتم و دوباره به اتاق خواب رفتم. شوهرم خواب بود که ضربه‌ای محکم به پشتش زدم. از جا پرید و فریاد دلخراشی زد که دوباره ضربه‌ای دیگر به او زدم. پس از این او را هل دادم به طرف شوفاژ که پرده را گرفت و از حال رفت و فهمیدم او فوت کرده است. بچه‌هایم با صدای فریاد شوهرم به اتاق خواب آمدند. با دیدن این صحنه به گریه افتادند. پتویی روی او انداختم و فرزندانم را به پذیرایی بردم و از آنها خواستم صبحانه بخورند، اما آنها فقط گریه می‌کردند. پس از اینکه یک فنجان چایی خوردم تصمیم نهایی را گرفتم.

چه تصمیمی؟

تصمیم گرفتم خودم را بکشم.

پس چرا فرزندانت را کشتی؟

[سکوت می‌کند و چشمانش خیس می‌شود و آهی از دل می‌کشد می‌گوید بله آنها بچه‌هایم بودند و دوباره سکوت می‌کند.]

دوباره از او سؤال کردم، چرا بچه‌هایت را کشتی؟

به آخر خط رسیده بودم. وقتی خواستم خودم را بکشم فکر کردم بچه‌هایم بعد از من یتیم می‌شوند و پدر و مادری ندارند به همین دلیل تصمیم گرفتم، ابتدا آنها را بکشم. ابتدا دخترم فاطمه را زدم، بعد سراغ پسرم رفتم و او را هم با چاقو زدم. دختر دیگرم از ترس فرار کرد و به اتاق خواب رفت که به سراغش رفتم. وقتی دو ضربه به او زدم به من گفت مادر من مردم دیگر مرا نزن. فکر کردم او هم مرده است و به پذیرایی آمدم و تصمیم گرفتم به زندگی خودم پایان دهم.

بعد چه شد؟

ابتدا به حمام رفتم تا با تیغ رگ دستم را بزنم، اما برق رفت و نتوانستم تیغ پیدا کنم به همین دلیل با چاقو چند ضربه به شکمم زدم، اما چاقو کامل به بدنم فرو نمی‌رفت تا اینکه ضربه‌ای به قلبم زدم، اما باز هم کشته نشدم. پس از این چاقوی دیگری برداشتم تا رگ دستم را بزنم اما نشد. در آخر جلوی پنجره رفتم تا خودم را پرتاب کنم که همسایه‌ها متوجه شدند و در خانه را شکستند و وارد خانه ما شدند.

الان پشیمان هستی؟

پشیمانی فایده‌ای ندارد.

اگر زمان به عقب برگردد دوباره حادثه را تکرار می‌کنی؟

نه. کاش می‌شد زندگی به عقب برگردد تا زندگی‌ام را طوری دیگر بسازم.

اقرار به قتل مزاحم خواهر

پسر نوجوانی که متهم است مزاحم خواهرش را به قتل رسانده است، حادثه را شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۲ شامگاه دوشنبه ۱۷ آبان ماه، قاضی ایلخانی بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس مأموران کلانتری بی‌سیم از قتل پسر جوانی با خبر و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. تیم جنایی در محل حادثه با جسد پسر ۲۵ ساله‌ای به نام تیمور روبه‌رو شدند که با اصابت چاقویی به پهلویش از پای در آمده بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد لحظاتی قبل مقتول با پسر ۱۷ ساله‌ای به نام رسول درگیری مرگباری را رقم زده است که در جریان آن رسول با چاقو تیمور را به قتل می‌رساند و با موتور سیکلت یکی از دوستانش از محل می‌گریزد. مأموران در نهایت چهار ساعت بعد از حادثه قاتل فراری را در خانه یکی از دوستانش دستگیر کردند. متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل شد. وی در بازجویی‌ها با اعتراف به قتل تیمور گفت: پدرم معتاد به مواد مخدر است و من همراه مادر و خواهر ۱۵ ساله‌ام زندگی می‌کنم. من در بنگاه املاکی کار می‌کنم تا خرجی مادر و خواهر دانش‌آموزم را بدهم. مدتی قبل خواهرم به من گفت که تیمور مزاحم او است. پس از این به سراغ تیمور رفتم و او هم قبول کرد که مزاحم خواهرم نشود، اما چند روز بعد دوباره خواهرم گفت که تیمور در راه مدرسه مزاحم او شده است. این بار با تیمور درگیر شدم که پس از کتک کاری رهگذران ما را جدا کردند. شب حادثه در پارک محله‌مان همراه دوستانم مشروب خوردم و مست شدم. وقتی به خانه رفتم خواهرم دوباره به سراغم آمد و گفت تیمور مزاحم او شده و اصرار کرده است تا شماره تلفن به او بدهم. خیلی عصبانی شدم و بلافاصله به پاتوق او و دوستانش رفتم. وقتی به او اعتراض کردم با هم درگیر شدیم. او همراه دوستش که چاقو به دست داشت، مرا به زمین زده و روی من افتاده بود که چاقوی دوستش را گرفتم و ضربه‌ای به پشت تیمور زدم. مقتول غرق در خون شد و من هم از محل گریختم تا اینکه در خانه دوستم دستگیر شدم. از آنجایی که متهم ۱۷ سال دارد، به دستور قاضی ایلخانی برای ادامه تحقیقات به دادسرای اطفال معرفی شد. تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

قصاص چشم در مقابل چشم اجرا شد

مردی که متهم است با پاشیدن آهک به چشم‌های دختربچه چهار ساله باعث نابینایی او شده است، صبح روز گذشته از دو چشم قصاص شد. این دومین اجرای حکم قصاص چشم در کشور بود که اجرا شد.

به گزارش خبرنگار ما، دختربچه چهار ساله که فاطمه نام دارد ۱۷ تیرماه سال ۸۸ در یکی از روستاهای هرستان قروه سنندج از سوی شوهرعمه‌اش با آهک هدف قرار گرفت و به بیمارستان منتقل شد. هر چند تیم‌های پزشکی برای نجات چشم‌های فاطمه تلاش کردند، اما تلاش‌ها ثمری نداشت و او بینایی دو چشم خود را از دست داد. بعد از حضور مأموران پلیس در محل، شوهر عمه بازداشت شد به جرمش اعتراف کرد. او گفت شب حادثه برادرزنم و خانواده‌اش از شهرستان به خانه من آمده بودند. موقع خواب من و برادرزنم در راهرو خوابیده بودیم. می‌خواستم مواد مصرف کنم که فاطمه بهانه پدرش را گرفت و خواست در راهرو بخوابد. به هر حال آن شب گذشت و صبح روز بعد داخل حیاط بودم که فاطمه به حیاط آمد و حرف بدی به من زد. من هم برای تنبیه مقداری آهک به صورتش پاشیدم، اما فکر نمی‌کردم که بینایی‌اش را از دست بدهد. با شکایت والدین کودک، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان فرستاده شد و خانواده فاطمه درخواست قصاص چشم کردند. متهم وقتی مقابل هیئت قضایی قرار گرفت، جرمش را انکار کرد. دفاعیات او از سوی هیئت قضایی پذیرفته نشد و او به قصاص دو چشم محکوم شد. با تأیید رأی در دیوان عالی کشور و انجام شدن مقدمات اجرای حکم، متهم با نیابت قضایی از کردستان به تهران منتقل و حکم با حضور قاضی محمدشهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی و کارشناسان پزشکی اجرا شد.

قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادسرای جنایی تهران به خبرنگار ما گفت: این دومین اجرای حکم اسید پاشی و ترکیبات شیمیایی (آهک) در کشور از زمان تصویب ماده واحده مجازات اسیدپاشی یا سایر ترکیبات شیمیایی مصوب ۱۳۳۷ است. اولین قصاص چشم در کشور اسفندماه سال ۹۳ در کشور اجرا شد. مرد اسیدپاش مرداماه سال ۸۸ راننده تاکسی در شهرستان قم را با اسید هدف قرار داده بود که قصاص چشم وی اجرا شد.

قاتل فراری در تهران دستگیر شد

مردی که متهم است به خاطر زن صیغه‌ای، یکی از دوستانش را با شلیک چهار گلوله در شهرستان تبریز به قتل رسانده است، در تهران دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، بامداد یک‌شنبه نهم آبان ماه، مأموران پلیس شهرستان تبریز از حادثه خونینی در یکی از خیابان‌های شهر با خبر و بعد از حضور در محل حادثه با جسد مرد جوانی داخل خودروی مدل بالایی روبه‌رو شدند که با اصابت چهار گلوله به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد در این حادثه زن جوانی هم با شلیک یک گلوله زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. زن جوان گفت: مدتی قبل مقتول مرا صیغه خود کرد. شب حادثه تا ساعت ۲ بامداد از خانه یکی از دوستانش در حال برگشت به خانه‌مان بودیم که مردی به نام شهرام همراه سه مرد ناشناس راه ما را سد کرد. شهرام ناگهان اسلحه کشید و به طرف من و شوهرم شلیک کرد. مأموران در ادامه دریافتند وی پس از حادثه به تهران گریخته است. بنابراین با گرفتن نیابت قضایی برای دستگیری متهم راهی تهران شدند.

صبح دیروز، مأموران پلیس آگاهی متهم را در تهران بازداشت و برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل کردند. متهم در اولین بازجویی‌ها قتل را انکار کرد و گفت: من با مقتول دوست بودم، اما قتل او را قبول ندارم. مدتی قبل خودروام را در تهران فروختم تا اینکه چند روز قبل به تهران آمدم تا پول خودروام را بگیرم که مأموران مرا دستگیر کردند. متهم همراه پرونده‌ای برای ادامه تحقیقات به دستور قاضی مدیر روستا، بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران پس از صدور قرار عدم صلاحیت در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان تبریز قرار گرفت تا به شهرستان محل حادثه منتقل شود.

قاتل: برادرم تهمت می‌زد

مرد افغان که برادرش را به خاطر حرف‌زدن پشت‌سر همسرش به قتل رسانده بود، محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، هجدهم آبان‌ماه سال ۹۳، مأموران پلیس ملارد از قتل مرد جوانی در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند. جسد متعلق به مردی ۴۰ ساله تبعه افغان بود که با ضربات چاقو کشته شده بود. همسر مقتول به مأموران گفت: شوهرم از چند سال قبل با برادرش که فاروق نام دارد، اختلاف داشت. شب گذشته فاروق تماس گرفت و قرار شد امروز همراه عمویش که فاتح نام دارد برای حرف زدن درباره اختلافشان به خانه ما بیاید. لحظاتی قبل زنگ خانه را زدند و شوهرم مقابل در رفت. از حرف زدنشان فهمیدم که فاروق و فاتح هستند. در حالی که منتظر بودم، وارد خانه شوند ناگهان صدای مشاجره بلند شد. وقتی خودم را رساندم، شوهرم خونین روی زمین افتاده بود. فاتح و فاروق هم فرار کردند.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، فاروق به دستور بازپرس بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به قتل برادرش اعتراف کرد و گفت: من هشت سال قبل ازدواج کردم و برای زندگی به ایران آمدم. برادرم از همان ابتدا در افغانستان و ایران شایع کرده بود که با همسرم رابطه دارد. من به همسرم اعتماد داشتم به خاطر همین بارها به برادرم هشدار دادم که توجه نکرد. روز حادثه همراه عمویم به عنوان بزرگتر به منزل برادرم رفتم. او وقتی مقابل در آمد، چاقو به دست داشت به همین دلیل با هم درگیر شدیم و او یک ضربه به پهلویم زد. چاقو را از دستش گرفتم و چند ضربه به او زدم. فاتح، عموی متهم نیز بعد از بازداشت حرف‌های برادرزاده‌اش را تأیید کرد. بعد از اقرارهای دو متهم، فاروق ۳۵ ساله به اتهام قتل و عموی ۶۷ ساله وی به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخته شده و کیفرخواست علیه آنها صادر شد.

روز گذشته جلسه رسیدگی به پرونده در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده تشکیل شد. بعد از قرائت کیفرخواست، به دلیل صغیر بودن اولیای دم که فرزندان مقتول بودند، معاون قوه قضائیه از متهم اعلام گذشت و برای فرزندان مقتول درخواست دیه کرده بود. در ادامه فاروق در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: در افغانستان بودم که ازدواج کردم. مدتی که گذشت برادرم به من گفت که با همسرم رابطه دارد. داوود این موضوع را به چند نفر از اقوام هم گفته بود. من به همسرم اعتماد داشتم و می‌دانستم برادرم شایعه پراکنی می‌کند، ولی علت کارش را نفهمیدم. بعد از چند سال همراه همسر و دو فرزندی که داشتم برای ادامه زندگی و کار، راهی ایران شدم. دوباره این شایعات را از آشنایان و دوستان در افغانستان و ایران شنیدم. متهم در خصوص قتل گفت: شب حادثه با برادرم داوود تماس گرفتم و خواستم فردا منزل باشد تا با هم صحبت کنیم. صبح به عمویم زنگ زدم و از او خواستم به عنوان بزرگتر همراهم باشد. وقتی به منزل برادرم رسیدم او با چاقو جلوی در آمد. انتظار نداشتم به همین دلیل با هم درگیر شدیم. او یک ضربه به من زد و من چاقو را از دستش گرفتم و دنبالش کردم و یک ضربه به پایش زدم و چند ضربه دیگر به پشتش زدم. بعد از توضیحات متهم به دستور رئیس شعبه، فاتح عموی متهم به اتهام معاونت در قتل در جایگاه ایستاد. قاضی قربانزاده گفت: طبق اظهارات شاهدان حادثه در پرونده که گفته بودند با متهم مقتول را دنبال کردید و با پتک چند ضربه به سر او زدید.

همچنین متهم را تحریک کردید که مقتول را با چاقو بکشد، چه دفاعی دارید؟ متهم جرمش را قبول نکرد و گفت: من با مقتول هیچ دشمنی نداشتم و هر وقت داوود مرا در مجلسی می‌دید، طبق رسوم دستم را می‌بوسید. روز حادثه فاروق از من خواست تا به عنوان بزرگتر همراهش باشم. با خودم گفتم، شاید بتوانم این کدورت چندساله را حل کنم، اما وقتی داوود جلوی در آمد همراهش چاقو بود که با برادرش درگیر شد. به خاطر سن بالا و درد پاهایم اصلاً نمی‌توانستم دنبالشان کنم چطور بتوانم با پتک به سرش بزنم. از طرفی داوود چهار بچه صغیر داشت دلم نمی‌آمد، او را بکشم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شدند.

باران تهران یک نفر را با خود برد

تلاش‌ها برای یافتن زن جوانی که در جریان باران شبانه تهران به جوی آب سقوط کرده بود، همچنان در جریان است.

سید جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت: حوالی ساعت ۱۹:۴۳ شامگاه دوشنبه شهروندان در تماس با سامانه ۱۲۵ خبر دادند که زنی به جوی آب در خیابان پاسداران سقوط کرده و جریان آب او را با خود برده است. وی ادامه داد: لحظاتی بعد امدادگران از دو ایستگاه در محل حاضر شدند. پسر بچه ۱۰ ساله این زن به امدادگران گفت که جریان شدید آب مادرش را با خود برده است. همچنین برخی از مغازه‌داران و کسبه نیز تأیید و اعلام کردند که برای نجات این زن نیز وارد عمل شدند، اما جریان آب او را با خود برده است. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران با بیان اینکه آتش‌نشانان کیف‌دستی این زن را کشف کردند، گفت: اما متأسفانه تلاش‌ها برای یافتن این زن بی‌فایده بوده است و عملیات جست‌وجو همچنان ادامه دارد.

واکنش‌ها به مرگ غم‌انگیز دختر دانشجو در سیلاب خرم‌آباد

انتشار فیلم صحنه سقوط مرگبار دختر دانشجو به کانال آب در باران شدید شبانه شهرستان خرم‌آباد، خشم کاربران شبکه‌های اجتماعی و جدال لفظی مدیران این شهر را به همراه داشت.

شامگاه دوشنبه، بارش باران شدید در شهرستان خرم‌آباد باعث جاری شدن سیلاب در این شهر شد. ساعتی بعد بود که خبر رسید دو دختر دانشجو در جریان سیلاب به کانال آب سقوط کرده است و یکی از آنها فوت و دیگری هم مجروح و به بیمارستان منتقل شده است.

انتشار کلیپ لحظه سقوط دختر فوت شده به کانال آب، در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت. سرنشین یک خودرو که در صف طولانی ترافیک در خیابان شورای این شهر معطل مانده بود، متوجه توقف یک خودروی پژو ۴۰۵ نقره‌ای می‌شود که کنار خیابان توقف کرده است. ظاهراً راننده پسری جوان است و قصد کمک به دو دختر را دارد که در پیاده‌رو، زیر بارش شدید باران گرفتار شده‌اند. یکی از دختران مشغول حرف زدن با تلفن همراهش است. شدت بارش و جاری شدن آب به حدی است که کانال زیر جریان آب ناپدید شده است. راننده با کمک یکی از دختران با احتیاط خودش را به در سمت شاگرد می‌رساند و دستش را برای کمک به دختر دراز می‌کند، اما دختر جوان به کانال آب سقوط می‌کند و با جریان آب ناپدید می‌شود. دختر دوم، اما به حرف زدن با تلفن همراهش ادامه می‌دهد. این کلیپ صحنه‌ای از سقوط دومین دختر به کانال آب را نشان نمی‌دهد. راننده به طرف خودروی خودش باز می‌گردد و پشت فرمان می‌نشیند. فردی هم که در حال ضبط کردن این صحنه است به سقوط دختر جوان واکنش نشان نمی‌دهد. همین طور سرنشینان خودروهایی که زیر باران صف کشیده‌اند تنها شاهد ماجرا هستند و احتمالاً برخی‌شان این صحنه را با گوشی‌هایشان ضبط کرده‌اند.

انتشار این کلیپ در شبکه‌های اجتماعی سبب شد تا بسیاری از کاربران به راننده پژو و فردی که فیلم را ضبط کرده است، حمله کنند که چرا برای نجات این دختر دست به کار نشده‌اند. واکنش مدیران شهری به این حادثه هم متفاوت بود.

حبیب‌الله خجسته‌پور، فرماندار خرم‌آباد گفت: این دانشجویان، دانشجوی دانشگاه لرستان بودند. فروزان مرادپور که اهل ایلام و دانشجوی زیست‌شناسی بود، فوت شد و نسرین محمدی دانشجوی رشته آب و هواشناسی هم اهل اصفهان در کما به سر می‌برد.

هوشنگ بازوند، استاندار لرستان گفته است که شهرداری باید در قبال کشته شدن این دانشجو پاسخگو باشد؛ چراکه ستاد بحران استان نسبت به وقوع سیل هشدار داده بود، انتظار می‌رفت شهرداری با آمادگی بیشتری در صحنه حاضر شود. بازوند افزود: شهردار به جای اینکه از شهروندان و خانواده دانشجوی فوت شده عذرخواهی کند، مشکلات را به گردن دیگران می‌اندازد؛ من اگر مسئول این کار بودم از مردم عذرخواهی می‌کردم. وی دلیل سقوط دختر دانشجو به کانال و فوت شدن وی را فراهم نبودن شرایط تردد عابران پیاده از روی کانال دانست.

با اینکه شهردار خرم‌آباد بابت حادثه حاضر به عذرخواهی نشد، اما رئیس شورای اسلامی شهر لرستان بابت ایجاد این حادثه عذرخواهی کرد. محمد حسین‌پور گفت: این حادثه دلخراشی بود و چون خودم در آن خیابان بودم، از لحاظ روحی خیلی اذیت شدم.

سعید رازانی، دادستان لرستان از ورود دادستانی به حادثه خبر داد و گفت: بر اساس بازبینی فیلم منتشر شده در فضای مجازی، در حال شناسایی راننده پژو هستیم. وی ادامه داد: پرونده به بازپرس ارجاع شده و بررسی‌ها در جریان است.

وی افزود: علت اصلی فوت دختر دانشجو پس از نظریه پزشکی قانونی مشخص می‌شود.

یحیی عیدی بیرانوند، شهردار خرم‌آباد هم گفت: «نیروهای شهرداری برای مواجهه با سیلاب آمادگی لازم را داشتند؛ اما بارش تگرگ و لغزندگی جاده باعث شد عملاً ماشین‌آلات سنگین شهرداری امکان تردد نداشته باشند. شدت باران و تگرگ به‌گونه‌ای بود که خیابان، پل و کانال همسطح شده بودند. اتفاق غرق شدن دانشجویان دختر سهل‌انگاری خود شخص و راننده بوده و به ما مربوط نیست؛ چراکه خیابان شورا بیش از ۲۰ متر پل دارد و ضرورتی نداشت دانشجویان از آن محل بروند.»

مرگ غم‌انگیز کودک خردسال زیر چرخ‌های لودر

پسربچه خردسالی در تصادف با لودر در یکی از روستاهای شهرستان خلیل‌آباد کشته شد.

این حادثه روز گذشته در روستای ایرج‌آباد شهرستان خلیل‌آباد در استان خراسان رضوی اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که راننده لودر هنگام کار به دلیل دید کم، پسر بچه سه‌ساله را زیر گرفته است. بررسی‌های بیشتر در این باره ادامه دارد.

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

آگهی دادگستری پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۱۰۴۰۰۰۷۷ شعبه ۱۱ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۵۵۱۰۴۰۰۲۷۵ خواهان: آقای محمد امین صباغی فرزند محمد حسین به نشانی سیستان و بلوچستان، زاهدان، خ خیام ۲ لوازم خانگی کورش خوانده: آقای مهدی امامی نژاد فرزند حسین مجهول المکان خواسته: مطالبه وجه به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی و خسارات تاخیر تادیه رای شورا: در خصوص دعوی آقای محمد امین صباغی فرزند محمد حسین بطرفیت آقای مهدی امامی نژاد فرزند حسین مجهول المکان به خواسته مطالبه مبلغ هشتاد میلیون ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی و خسارات تاخیر تادیه با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و ملاحظه فتوکپی مصدق مدارک استنادی و اظهارات خواهان در جلسه دادرسی بدین توضیح که به موجب فاکتور مورخ ۹۴/۳/۱۶ یک دستگاه یخچال و یک دستگاه تلویزیون به مبلغ ۸۴/۳۰۰/۰۰۰ ریال به آقای مهدی امامی نژاد فروختم که مبلغ ۴/۲۰۰/۰۰۰ ریال آن را در دو مرحله پرداخت کرده و مبلغ هشت میلیون تومان باقیمانده که تاکنون پرداخت نکرده است ضمناً رسید کالا که به امضاء خوانده رسیده پیوست دادخواست تقدیم شده است از شاهد خواهان تحقیق که بر صحت ادعای وی ادای شهادت نموده است نظر به اینکه خوانده علیرغم دعوت از طریق نشر آگهی در روزنامه در جلسه دادرسی حاضر نشده و عذر موجهی هم اعلام نکرده و دلیل و مدرکی بر بطلان ادعای خواهان ارائه نکرده است لذا شورا با عنایت به موارد فوق و بررسی اوراق و محتویات پرونده و اظهارات شاهد دادخواهی را وارد و موجه دانسته و مستنداً به مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ هشتاد میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و همچنین خسارت تاخیر تادیه براساس شاخص نرم تورم که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود از تاریخ تقدیم دادخواست ۱۳۹۵/۳/۱۷ لغایت یوم الوصول در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی محسوب و ظرف مدت بیست روزپس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و سپس ظرف همین مدت قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی زاهدان می‌باشد. **م‌الف: ۲۳۱۵ فرزانه رامرودی- قاضی شورای حل اختلاف شماره ۱۱ زاهدان**

آگهی دادگستری پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۰۳۰۰۲۱۴ شورای حل اختلاف شماره ۲ مجتمع مرکزی شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره خواهان: آقای رسول خدیش فرزند گل محمد به نشانی: سیستان و بلوچستان، زاهدان، بلوار معلم ۹ میلان ۳ درب سوم خوانده: آقای محمد مطلق فرزند غلامعلی به نشانی خواسته: مطالبه خسارات تاخیر تادیه دادنامه شماره ۱۵۹۰/۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۰۴ به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی شورا پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده و کسب نظر مشورتی اعضاء شورا ختم رسیدگی را اعلام و ذیلا مبادرت به صدور رای می‌نماید رای شورا: در خصوص دادخواست آقای رسول خدیش فرزند گل محمد به طرفیت محمد مطلق فرزند غلامعلی ساکن زاهدان به خواسته مطالبه خسارت تاخیر و تادیه دادنامه شماره ۱۵۹۰/۸۷ به تاریخ ۸۷/۱۲/۴ صادره از شورای حل اختلاف شماره ۲۶ از تاریخ تقدیم دادخواست اولیه ۸۷/۱۱/۷ تا یوم الوصول به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی، با توجه به مندرجات دادخواست تقدیمی بدین توضیح که خوانده به موجب رای شماره ۱۵۹۰/۸۷-۸۷/۱۲/۰۴ صادره از شورای حل اختلاف شماره ۲۶ زاهدان محکوم به پرداخت جمعاً به مبلغ سه میلیون و دویست و هشتاد و چهار هزار ریال در وجه اینجانب گردیده و با عنایت به اینکه وجوه موضوع پرونده مذکور کماکان پرداخت نشده است لذا برابر مدارک استنادی تقاضای رسیدگی و صدور حکم به شرح ستون خواسته مندرج در دادخواست تقدیمی را نموده و با عنایت به اظهارات خواهان در جلسه رسیدگی شورا که تقاضای رسیدگی و صدور حکم به محکومیت خوانده به پرداخت خسارات تاخیر و تادیه تا زمان اجرای حکم را نموده است و نظر به اینکه خوانده مجهول المکان و از طریق انتشار آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار دعوت به جلسه دادرسی شورا شده که حضور نیافته و دفاعی در برابر مستندات خواهان از خویش به عمل نیاورده است و به دعوی خواهان را مصون از تعرض باقی گذاشته است علی هذا شورا بنا به مراتب فوق و دادنامه شماره ۱۵۹۰/۸۷ شورای حل اختلاف شماره ۲۶ زاهدان که به پیوست می‌باشد و در نظر گرفتن سایر قرائن و امارات موجود در پرونده خواسته خواهان را موجه دانسته و به استناد مواد ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت خسارات تاخیر تادیه از تاریخ دادخواست اولیه ۸۷/۱۱/۷ تا زمان اجرای حکم بر طبق شاخص بانک مرکزی محاسبه خواهد شد و در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد رای صادر غیابی محسوب ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض و تجدید نظر خواهی در محاکم عمومی حقوقی زاهدان می‌باشد.
م‌الف: ۲۳۰۲ محمدرضا طاهری نسب- قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف زاهدان

آگهی رونوشت حصر وراثت **م‌الف: ۴۷۹۴۲**

آقای قربانعلی میوه کلتپه دارای شناسنامه شماره ۲۰۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۵۰۶۲۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان لطفعلی میوه کلتپه به شناسنامه شماره ۲۵۲ در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۵ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته، ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱. قربانعلی میوه کلتپه متولد ۱۳۴۰/۲/۲۵ ش.ش: ۲۰۲ فرزند لطفعلی نسبت پسر
۲. محمدرضا میوه کلتپه متولد ۱۳۴۲/۹/۵ ش.ش: ۱۱۵۹ فرزند لطفعلی نسبت پسر
۳. داود میوه کلتپه متولد ۱۳۵۱/ ۴/۳۱ ش.ش:۱۶۴۳ فرزند لطفعلی نسبت پسر
۴. محمد حسین کلتپه متولد ۱۳۳۷/۶/۱۲ ش.ش: ۳۰۴ فرزند لطفعلی نسبت پسر
۵. سعادت کلتپه متولد ۱۳۳۰/۲/۱۰ ش.ش: ۵۳ فرزند لطفعلی نسبت دختر
۶. معصومه کلتپه متولد ۱۳۳۳/۱/۱۴ ش.ش: ۷۲۱ فرزند لطفعلی نسبت دختر
۷. کبری کلتپه متولد ۱۳۴۴/۹/۱۱ ش.ش: ۹۷۴ فرزند لطفعلی نسبت دختر
۸. صغری کلتپه متولد ۱۳۴۷/۱/۳۰ ش.ش: ۲۷۹ فرزند لطفعلی نسبت دختر

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعترا